

تشکیلات

نظامی سلجوقیان

به قلم

داود اصفهانیان

(دکتر در تاریخ - دانشیار دانشگاه اصفهان)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بقلم :

داود اصفهانیان

(دکتر در تاریخ - استادیار دانشگاه اصفهان)

تشکیلات نظامی سلجوقیان

سلجوقیان که در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) در خاور میانه ، امپراتوری بزرگی تأسیس کرده اند ، نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ جهان اسلام و در سطح وسیعتری در تاریخ آسیا تأثیر بس گسترده ای داشته اند . این خاندان برای ایران ، عراق ، سوریه و آسیای صغیر بادولتهای وابسته مدت ۳ قرن حکمرانی کرده اند .^۱

در دوره عظمت سلاجقه سپاه ، رکن اساسی دولت را تشکیل میداد ، بهنگام سلطنت ملکشاه (۴۸۵ - ۴۶۵ هـ) که اوج قدرت سلجوقیان میباشد بزرگترین نیروی نظامی قرون وسطی بوجود آمد که بعدها این سپاه نمونه ای برای سایر دول اسلامی شد . در حقیقت میتوان گفت همه امکانات پیشرفت و گسترش این دولت بسته به سپاه بود و سپاه ، هسته اصلی همه امور محسوب میشده چنانکه سلاطین ، قبل از هر کاری در رأس سپاه قرار داشتند و در نبردها سمت فرماندهی را مستقیماً بعهده میگرفتند . البته این امر در تمام حکومت های گذشته و حال مرسوم و متداول بوده است .

۱- برای اطلاع بیشتر در مورد تاریخ این دوره مراجعه شود به: راحت الصدور - سلیمان راوندی بسمی محمد اقبال و حواشی مجتبی میسوی . انتشارات امیر کبیر . تهران ۱۳۳۳ .
الکامل فی التاریخ ابن اثیر جلد نهم . سلجوقنامه - ظهیرالدین فیشابوری .

در بنیان اساسی امپراتوری سلجوقی، ایرانیان اکثراً بهره‌دار امور سیاسی بودند و کادرهای سیاسی را تشکیل میدادند و ترکان نیز عموماً تشکیلات نظامی را در دست داشتند.^۲

سلاجقه همانطوریکه برای تشکیلات اداری از تشکیلات حکومت‌های قبلی استفاده میکردند در تشکیلات نظامی نیز این امر صورت گرفته است و بیشتر روش نزنویان را اتخاذ نموده و سپس بنا بر مقتضیات آنرا تکمیل کرده‌اند.

تشکیلات و ارکان نظامی سلجوقی در سه قسمت تحت عناوین زیرمورد بررسی قرار میگیرد.^۳

۱- نیروی انسانی ۲- تشکیلات ۳- تجهیزات و سازو برگ

۱- نیروی انسانی :

بدون تردید از سه عامل بوجود آورنده سپاه، نیروی انسانی مؤثرترین عامل را تشکیل میداد زیرا سپاهی هر قدر سازمان منظم و سازو برگ کامل داشته باشد پیروزی بوسیله نیروی انسانی تأمین خواهد شد. چه بسیار مشاهده شده است، ارتشهایی که از تجهیزات و تشکیلات کافی برخوردار نبوده‌اند ولی در سایه کاردانی و کارآئی افراد فاتح گردیده‌اند.

در ابتدای قدرت این حکومت قوای عشایری، قسمت اعظم قدرت نظامی را تشکیل میداد که رفته رفته این سیستم در عصر امپراتوری جای خود را به قوای نظامی منظم که صاحب، حقوق و اقطاع معین بود داد. اراضی داخل مرزهای امپراتوری تقویم و تحریر شده و بنا بر عایدات سالیانه بصورت اراضی

۲- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی. تألیف مرحوم عباس اقبال. تهران ۱۳۳۸. صفحه ۱۸.

۳- برای اطلاع از طرز تقسیم‌بندی فوق به‌ماخذ زیر مراجعه شود :

Mohmet Altay Köymen , Alparslan Zamani Selcuklu Askeri Teski Lâti , ANKARA. 1967 .

بزرگ و متوسط و کوچک تفکیک گردیده عشریه و رسوم این اراضی در مقابل خدمت امراء و نظامیان بفرخور موقعیت به آنان واگذار شده بود. ^۴ از جمله نوآوریهای بسیار مهم که در تشکیلات نظامی سلجوقیان بچشم میخورد سربازان صاحب اقطاع هستند و طریقه اقطاع مخصوصاً در عهد سلاجقه اصول و نظم معینی یافت. ^۵ این اصول از یکطرف بدون آنکه بارسنگینی را بردوش حکومت تحمیل نماید سپاهیان کثیری فراهم می کرد و از طرف دیگر باعث عمران و آبادی قلمرو حکومت می شد.

خواجه نظام الملك به عمران آبادی اراضی توجه خاصی داشت و گویا اصول اقطاع نظامی را وی مورد توجه قرار داده است. قبل از خواجه نظام- الملك قطعات کوچکی بمنوان اقطاع وجود نداشت اراضی بصورت قطعات بزرگ همچنانکه در عهد عباسیان مرسوم بوده به امراء واگذار گردیده است. ^۶

تا زمان خواجه نظام الملك اکثراً به سپاهیان مانند ادوار سامانیان، غزنویان و صفاریان حقوق پرداخت میشد ^۷ این نوع اصول اقطاع بعداً در همه دولتها متداول گردید و شاهزادگان، ولات و سایر امراء و رجال و نظامیان بنا به موقعیت و درجه شان اقطاع داشتند.

ترکمانان که در ابتدای تأسیس امپراتوری سلجوقی نقش اساسی داشتند بعدها بتدریج موقعیت خود را از دست دادند و جای آنها را غلامان ترکی که بنا به مقتضیات جدید تربیت شده بودند گرفتند.

4- Osnlani Devleti Teskilatina Medhal , Prof , ismail Hakki
Uzunçarsili , ANKARA. 1970 , s 52 .

۵- دایرة المعارف مصاحب کلمه اقطاع صفحه ۱۸۳

۶- برای اطلاع کامل از کیفیت اقطاع رجوع شود به: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران
تالیف پطروشفسکی ترجمه کریم کشاورز جلد دوم صفحه ۴۵ .

۷- سیاست نامه خواجه نظام الملك بکوشش مرتضی مدرس چهاردهی. ناشر کتا بفروشی طهوری.
تهران. ۱۳۳۲. فصل بیست و سوم .

در مورد اینکه غلام چگونه برای سپاه سلجوقی تدارک میشد در سیاستنامه به این موضوع اشاره شده است.^۸ قبل از تشکیل حکومت وسیع امپراتوری سلجوقی امراء ترك که در خدمت غزنویان از غلامی به امیری رسیده بودند، باتفاق غلامان تحت فرماندهی خود به سلجوقیان پیوستند و بعد از قدرت گرفتن این دولت، صاحب نفوذ فراوانی شدند.^۹ در مورد فوق، مربوط بدوره حکومت آل بویه چند مثال مشخص آورده میشود.

فاخر بیک تکین پسر عبدالله که به ابن الشرابی معروف است در زمان آل بویه بمقام فرماندهی رسیده بود در عصر طغرل بخدمت سلجوقیان درآمد.^{۱۰} سعدالدوله گوهر آئین که در زمان طغرل، آل بارسلان و ملکشاه حتی در زمان برکیارق در دستگاه حکومت نقشی داشته است ابتدا غلام بانوی خوزستانی بوده است و بعدها وی بخدمت آخرین حکمران آل بویه ابو کالیجار درآمد است. گاهی، غلامان از اشخاص بحکمران و یا از حکمرانان به کسان دیگر در دستگاه حکومت منتقل میشدند. وقتی حکمرانی فوت میکرد غلامان و امراء و حاجبانیکه از غلامی باین مقامات رسیده بودند بخدمت حکمران جدید در میآمدند. مثلاً به اسامی ۱۱ حاجبی در منابع دوره طغرل برخورد میکنیم که نام؛ نفرشان در دوره آل بارسلان نیز آورده شده است و نفرشان نیز در خدمت ملکشاه بوده اند.^{۱۱}

۸- سیاستنامه خواجه نظام الملک فصل ۲۴ و ۲۷.

9-Mehmet Altay Köymen, Büyük Selçuklu imparatorlugunun Kurulusu D. T. CF, Dergisi XVI , 13-4 , S.56-57 .

10- Ibnü'l - Fa Vatî , Mecma ' u ' l - âdâbfî Mu ' Cami , l-Elkâb Türkterc . IV / 3.s.8.

۱۱- اسامی یازده نفر از حاجبان طغرل بدین ترتیب است : ۱- سواتکین ۲- بارتکین ۳- یاروخ تکین ۴- خمارتاش ۵- خمارتکین ۶- قومش تکین ۷- اردم ۸- ایناج بیک ۹- فرخ ۱۰- پرسوک ۱۱- آی تکین .

ibnel- Gevzi, Mir, atüz- Zaman, nsr. Alisevim ANKARA, 1968. s.27-245.

مرآت الزمان ابن جوزی . ناشر علمی سویم . آنکارا ۱۹۶۸ . صفحه ۲۷ - ۲۴۵

عده‌ای از غلامان را غلامان سرای میگفتند و اقطاع نداشتند بلکه مقرری دریافت میکردند و در واقع گارد مخصوص سلطان را تشکیل میدادند فرمانده آنان « سالار غلامان سرای » خوانده میشد. خواجه نظام‌الملک به ملک‌شاه توصیه کرد که از میان این غلامان خاصه دویست نفر را که از نظر قد و قامت و تناسب اندام متناسب باشند بنام «مفرد» انتخاب نماید تا در تشریفات و مراسم مختلف خدمتگزار و محافظ سلطان باشند درخواست خواجه مورد قبول ملک‌شاه واقع شد این رده از افراد سپاه که «مفرد» خوانده میشدند از نظر اندام و قد و سلحشوری معروف بودند صد نفر آنان از خراسان و صد نفر دیگر از مردم دیلم انتخاب میشدند «مفردان» در سفر و حضر در خدمت سلطان بودند لباسشان زیبا و سلاحشان کامل بود. در موارد لزوم مسلح میشدند و در غیر این صورت سلاح خود را به اسلحه‌خانه تسلیم میکردند.

بسیست نفر از «مفردان» سلاح و سپر و حمایل طلائی و ۱۸۰ نفر بقیه همان تجهیزات را از نقره داشتند و برای هر پنججاه نفر فرماندهی تعیین میشد که آنرا نقیب میگفتند. ۱۲ مقرری این عده سالی چهار بار پرداخت میشد و آنرا پیشه‌کافی میخواندند. ۱۳

در معیت ملک‌شاه سلجوقی علاوه بر غلامان خاص بطور دائمی چهل و شش هزار سوار صاحب اقطاع وجود داشت اقطاع این رده سواران در مناطق مختلف قلمرو سلجوقی گسترده بود، عایدات این اراضی جمع‌آوری شده و صرف مایحتاج و علوفه این عده میشد. شاهزادگان و امراء و رجال نیز به نسبت اقطاع خود سرباز داشتند این سربازان نیز از غلامان تربیت شده و تجهیز میگرددند.

بطوریکه اشاره شد تر کمانان در دوره های اولیه تشکیل حکومت سلاجقه رکن اساسی سپاه را تشکیل میدادند ولی بعدها موقعیت آنان تضعیف

۱۲ - سیاستنامه خواجه نظام‌الملک فصل نوزدهم.

۱۳ - همان کتاب فصل بیست و سوم.

گردید معذالك در سپاه سلجوقی توانسته بودند ب موجودیت خود ادامه دهند و خصوصاً گروه ضربتی مؤثری را تشکیل میدادند .

بهنگام اعلان جنگ و آماده باش در سپاه سلجوقی علاوه بر اردوی خاص و قوای اعزامی حکومت‌های تابع و امراء صاحب اقطاع از بین مردم دسته‌های غیر منظمی بنام «حشر» تشکیل میشد که بطور داوطلب و مزدور وارد خدمت دولت شده و معمولاً پس از خاتمه جنگ مرخص میشدند.^{۱۴}

۲- تشکیلات : **کتابخانه مد : سه فصله لم**

بر اساس تشکیلات کلی سپاه در عصر سلجوقیان تشکیلات بدو قسمت جنگی و غیر جنگی تقسیم میشد :

الف : قسمت جنگی

این قسمت مرکب از دو رده سواره نظام و پیاده نظام بود . بنابراین با روش متداول جنگی در عصر سلاجقه رده سوار بیشتر از پیاده بود و در جنگها نیز سوار بیش از پیاده نقش داشته است . وقتی خبر در گذشت طغرل منتشر شد آلب ارسلان با بیست هزار سوار و ده هزار پیاده از خراسان حرکت کرد . ۱۵ رده سواره نظام را عسکر (جمع : عساکر) و پیاده را جند (جمع : اجناد - جنود) می خواندند .^{۱۶} چنین استنباط میشود که کلمه جنود در بعضی موارد به تمامی سپاه اطلاق شده است . در بعضی منابع رده سوار نظام سلجوقی را حشم (جمع : حواشی) و خیل (جمع : اخیال - خیول) آورده اند.^{۱۷}

14- Islan Ansiklopedisi, Cilt 10 , S . 399

۱۵ - ابن الجوزی . صفحه ۱۰۱ و ۱۰۲

16-H.A.R. Gibb, The , Armies Of saladin, Stadies On The Civilization of Islam , ed . S . J. Shaw W. R. Poik , London , 1962, P. 83-84.

۱۷ - ابن الجوزی . صفحه ۳۳۰

کلمات حشم و حواشی به سپاه خاصه و خیل و خیول به سربازان صاحب اقطاع و قوای اعزامی حکمرانان تابع اطلاق می‌شد.

قسمت جنگی سپاه شامل صنوف مختلف بود، اولین صنف را طلایه تشکیل می‌داد. از ابتدای شروع قدرت سلاجقه به قسمت طلایه اهمیت زیادی داده می‌شد. بطوریکه خواهیم دید فرمانده این قسمت کسی بود که در فرماندهی گروه طلایه تبحر و تخصص داشته و مدت مدیدی این وظیفه را عهده دار بوده است. مسلم است که وقتی فرماندهی دارای چنین اختصاصاتی باشد قوای تحت فرماندهی وی نیز از تعلیم و آموزش خاصی برخوردار بوده‌اند.

افراد سپاه بنابه نوع اسلحه و وظیفه‌ایکه در جنگها داشتند به صنوف مخصوص تقسیم می‌شدند، مانند: تیراندازان، حربه داران، گرزداران، دبوس داران، نجاق داران، شمشیر داران، منجنیق داران، اراده داران و غیره کسانی بودند که بنا بر بکار بردن اسلحه خود رده‌های مخصوصی را تشکیل می‌دادند. ^{۱۸} البته اسامی فوق الذکر بعلت بکار بردن سلاح اصلی باین نامها خوانده شده و الا هر سر بازی در اثنای جنگ حامل سلاح دیگری نیز بود که بموقع از آنها استفاده می‌کرده است، بعنوان مثال سپهر و خنجر و کارده همیشه بهمراه سربازان هر صنفی بوده است. نفت اندازان، کمننداران، مشعل داران، بیرق داران و کسانیکه بهنگام محاصره از دیوارهای قلاع بالا می‌رفتند نیز بنا به فعالیتی که در محاربات داشتند دیگر صنف‌های جنگی را بوجود آورده بودند.

کتابخانه عد زسه شهره‌لم

ب - قسمت غیر جنگی سپاه :

این رده از سپاه در حرکت عمومی نیروهای جنگی شرکت داشتند ولی وارد کارزار نمی‌شدند و در معیت حکمران عازم نبرد در حرکت بودند. در واقع حرم، خزانه، چهارپایان، علوفه، منشیان سپاه، دانشمندان، ندیمان، منجمان و کارکنان مطبخ خاص و کسانیکه بدنبال سپاه مایحتاج ضروری افراد را عرضه می‌کردند

18- Fahr-i Müdebbir, Adâbu'l-Mülûk Ve' S-seca'a, 95a- 95b (24.bâb).

جزو قسمت غیر جنگی سپاه بودند.^{۱۹} بعضی از افراد نظیر نندیمان، منجمان و کارکنان مطبخ شاهی با وجود اینکه در اثنای جنگ در کنار حکمران بودند معذالک جزو ابواب جمع غیر جنگی محسوب میشدند و کسانی مانند سازندگان پل و اسلحه و سایر افراد کمکی نیز جزو این رده بودند. معذالک مشاهده میشود که در اثنای جنگ مجبور به ساختن و احداث پل میشدند و کسانی که در این موارد بکار میپرداختند مجبور به شرکت در نبرد بودند و جزو جنگجویان بحساب آورده میشدند.

ج - رتبه و درجات نظامی :

در سپاه سلجوقی بنا بر ایجاب بنیه و اساس تعداد رتبه‌ها و درجات زیاد نبوده و مانند امروز درجات متعدد نظامی وجود نداشته است. چنین بنظر میرسد که در عصر سلاجقه درجات از کوچکترین مراتب بدین ترتیب بوده است. اوتاق باشی،^{۲۰} سرخیل، حاجب^{۲۱} و سرانجام امیر که در بعضی منابع سالار و سپهسالار و یا امیرسالار و امیر اسف‌سالار نیز آورده شده است.^{۲۲} در مورد اینکه صاحب منصبان فوق‌الذکر فرماندهی چند نفر را داشتند مثلاً اوتاق باشی و یا سرخیل در رأس چه تعدادی از افراد بودند اطلاعاتی در دست نیست. اما آنچه که از ترکیب کلمه اوتاق باشی معلوم میشود صاحب این رتبه در رأس افراد ساکن یک چادر یعنی در حدود ۸ تا ۱۰ نفر تقریباً معادل درجه سر جوقة امروزی را داشته است که اولین رتبه سپاه را تشکیل میداد. در زمان چغری بیک صاحب منصب رتبه حاجبی در رأس ۵۰ غلام قرار

19- Mehmet Altay Köymen, Alp Arslan Zananis elcuklu Saray Teskilâti Ve Hayati, ANKARA, 1966, S. 51.

۲۰ - اوتاق در زبان ترکی بمعنای چادر بزرگ هم میباشد.

Osmanly Tarih Deyimleri Ve terimleri Sözlugu, istanbul 1971-Cilt II, S. 741.

21-F. Köprülü, i, A. Hacib Mad.

۲۲ - سلجوقنامه - خواجه امام ظهیرالدین نیشابوری از نشریات کلاله‌خاور. تهران ۱۳۳۲. صفحات ۳۷ و ۵۹.

داشت. ۲۳ اینطور بنظر میرسد که این وضع در زمان آلبارسلان نیز تغییر پیدا نکرده است زیرا بعد از آنکه امپراتور بیزانس رومانوس دیوجانوس آزاد گردید تحت محافظت دونفر حاجب که فرماندهی صدغلام را داشتند به قلمرو حکومتش بازگردانیده شد. ۲۴ در اینصورت سرخیل فرماندهی افرادی بین ۱۰ تا ۵ نفر را داشته و این تعداد بین ۲۰ و ۲۵ نفر نیز احتمال دارد متغیر باشد. سرخیل علاوه بر وظایفی که در سپاه داشت خارج از این وظیفه نیز از وجودشان استفاده میشد چنانکه وقتی آلبارسلان در خوارزم مشغول فتوحاتی بود سرخیلی را با نامه‌ای که در آن فتوحات اخیر را شرح میداد بنزد نظام‌الملک فرستاد. ۲۵ مشاهده میشود که در این مورد از سرخیل بعنوان قاصد فتح‌نامه استفاده شده است.

در مورد افراد تحت فرماندهی امیران نمیتوان اظهار نظر کرد زیرا افراد تحت فرماندهی آنان دائماً در حال تغییر بودند چنانکه در زمان ملکشاه وقتی خواجه نظام‌الملک امیری را بحضور خلیفه معرفی میکرد هر بار تعداد سپاهیان تحت فرماندهی وی را متذکر گردیده است.

در سپاه دسته‌ای افسر نیز تحت عنوان سرهنگ پاچاوش وجود داشت سرهنگان در دربار و سپاه افرادی تحت فرماندهی خود داشتند اما موقعیت رتبه و محل خدمت آنان را در کادر سپاه نمیتوان بدستی معلوم کرد آنچه مسلم است رتبه این افراد بالاتر از سرخیل و پائین تر از امیر بوده است. ۲۶ سرهنگان علاوه بر وظایف افسری وظایف انضباطی هم داشتند بطوریکه وقتی آلبارسلان یکی از ملاحده را بازجوئی میکند به سرهنگان (چاوشان) دستور میدهد وی را با سیلی و هشت از حضورش بیرون کنند. ۲۷

۲۳ - تاریخ سیستان تصحیح ملک‌الشراء بهار صفحه ۳۷۹.

24- Mehmet Altay Köymen, Alp Arslan... S, 91.

۲۵ - ابن‌الجوزی صفحه ۱۳۱.

26- Adâbul - Mülük, 95 b.

۲۷ - سیاستنامه خواجه نظام‌الملک فصل ۴۲ صفحه ۱۶۳

وقتی بین تنش، حکمران سلجوقی سوریه و سلیمان شاه حکمران سلجوقی آناتولی اختلاف بروز کرد ملک شاه سلجوقی برای مداخله در جریان از تکریت به موصل آمد در این هنگام عربی بادیه نشین بحضور سلطان آمد و شکایت کرد یکی از غلامان سلطان نیزه وی را بزور گرفته است سلطان تحقیق در این موضوع را به چاوشیه (رده سرهنگان) محول کرد. چاوشان (سرهنگان) غلام و نیزه را آوردند و سلطان امر کرد دست غلام را ببرند. ۲۸

۳- تجهیزات و ساز و برگ :

تجهیزات و وسایلی بودند که افراد سپاه بوسیله آنها می جنگیدند. این وسایل با تشکیلات متفقاً سپاه را آماده نبرد و کارزار می نمود. استفاده هم آهنک از نیروی انسانی، تشکیلات و تجهیزات باعث پیروزی سپاه در جنگ بود. تجهیزات شامل چهار پایان (اسب و استر و شتر و فیل)، جنگ افزارهای مختلف، انواع وسایل دفاعی پوشیدنی (زره - خود...) و غیره بود ابتدا انواع جنگ افزارها را مورد بررسی قرار میدهیم :

جنگ افزارها

انواع جنگ افزارها مطابق با اصول نبرد و نوع کارزار ساخته میشد. بر خورد سریع و جنگ دور دور مبنای اساسی جنگ اقوام و طوایف ترك نژاد را تشکیل میدهد. ۲۹ این تاكتيك بیشتر در جنگهای جبهه ای بمورد اجراء گذاشته میشد و در نبرد های شهری و محاصره قلاع طبیعی است که جنگ افزارهای مخصوصی بکار برده میشد. بدین ترتیب جنگ افزارها بدو دسته سبك و سنگین تقسیم میشدند :

الف - جنگ افزارهای سبك :

در سپاه سلجوقی بطور کلی جنگ افزارهای سبك عبارت بودند از تیر

۲۸ - ابن الجوزی صفحه ۲۳۹ .

و کمان ، سپر ، نیزه ، شمشیر ، گرز و نجاق (نوعی تبرزین) خنجر و کارد. ۳۰ بطوریکه مشاهده می‌شود این جنگ افزارها در دوره‌های مختلف بوسیله اقوام متعدد بکاربرده می‌شد .

گویا در این تاریخ تیرها تا مسافت ۱۶۰۰ متری یعنی حدود یک میل طی می‌کرده است (برد داشته است) در حدود سالهای ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ میلادی که تسلط سلجوقیان بر ارمنستان شروع شد سواران چابک سوار سلجوقی کمان و تیر نوک پولادی آنان توجه مردم این سامان را بخود جلب کرده است. ۳۱ در سرتاسر تاریخ، هر حکمرانی علاقه‌مند بیک نوع سلاح خاصی بوده است و در بکار بردن آن مهارت داشته و در جنگها نیز سعی می‌کرده است از آن استفاده کند مثلاً آل ب ارسلان سلجوقی تیرانداز ماهری بود و سلاح مورد علاقه اش تیر و کمان بوده است . بطوریکه وقتی یوسف خ-وارزمی **کو تو ال قلعه برزم** را که مرتکب خلاف شده بود بحضورش آوردند خواست بوسیله تیر و کمان وی را بقتل برساند که برای اولین بار تیرش بخطا رفت و باعث از دست رفتن زندگی وی شد . ۳۲ باران بزرگترین دشمن کمان بود چون وقتی زه کمان خیس می‌شد تیراندازی امکان نداشت. تیر و کمان بیشتر اسلحه جنگهای جبهه‌ای بود بطوریکه در نبرد ملازگرد مؤثرترین جنگ افزارها علیه بیزانسی‌ها تیر بود. تیر تنها در جنگهای جبهه‌ای بکار برده نمی‌شد بلکه در محاصره قلاع نیز مورد استفاده بود . تیر مانند مسکوکات و سایر اشیاء قیمتی در خزانه نگهداری میشد و در موارد ضروری از خزانه به سپاه منتقل و در اختیار افراد قرار داده میشد . وقتی در زمان آل ب- ارسلان حکمران حلب علیه وی قیام کرد ضمن محاصره حلب تیر سپاه تمام شد بفاصله یکروز تعداد ۸۰ هزار تیر از طرف خزانه در دسترس سپاهیان

30- R. C. Smail, P 77 .

31- I. Kafesoglu , Dogu Anadoluya ilk Selcuklu Akini, Istanbul, 1950 S. 259-274.

۳۲ - سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری صفحه ۲۸ .

قرار داده شد. تیرو کمان نیز مانند سایر جنگ افزارها در صورت لزوم در میدان نبرد ساخته می‌شد. در اثنای جنگ هر تیرانداز حامل ۳۰ تا ۵۰ تیر بوده است. ۳۳ بدون تردید انواع شمشیر، خنجر و کارد نیز در محاربات بکار میرفته است. انواع سلاح برنده در موارد غیر جنگی نیز مورد استفاده بود بخصوص شمشیر بیشتر جلب نظر می‌کرد بطوریکه خلفای بغداد در مراسم مختلف ضمن هدایائی که بسلاطین سلجوقی می‌فرستاده‌اند در کنار سایر خلعت‌ها و هدایا چند قبضه شمشیر نیز قرار می‌دادند.

بنا بر نوشته خواجه نظام‌الملک در بین سلاحهای مرصعی که در خزانه نگهداری می‌شد و در مراسم رسمی از جمله قبول سفراء از آنها استفاده می‌کردند شمشیر نیز وجود داشت و بعلاوه «مفردان خاص» نیز حامل يك قبضه شمشیر و سپر بودند که ۲۰ نفر از آنان حمایل طلائی و ۱۸۰ نفرشان حمایل نقره‌ای داشتند. البته شمشیر و سپر دو سلاحی هستند که در نبردها و هم در تشریفات بکار برده می‌شد.

ب - جنگ افزارهای سنگین :

در بحث مربوط به جنگ افزارهای سبك اشاره شد که این سلاح در جنگهای جبهه‌ای و حمله و شبیخون و جنگهای چریکی بکار برده می‌شد. جنگ افزارهای سنگین بیشتر در محاصره شهرها و قلاع که معمولا بوسیله آب یا خندق محصور شده بود بکار میرفت. بنا بر کارائی این آلات و ادوات میتوانیم آنها را جنگ افزارهای محاصره‌ای بنامیم.

در ابتدای امپراتوری سلجوقی با آنکه در جنگهای جبهه‌ای سپاه این دولت همیشه با موفقیت روبرو بود معذالك در جنگهای محاصره‌ای پیشرفت چندانی نداشته‌اند بعنوان مثال طغرل سلجوقی در این مورد موفقیتی نداشته و با آلب ارسلان از گشودن قلاع مستحکم چشم‌پوشی میکرده‌است. در منابع موجود به غیر از منجنیق از اسامی جنگ افزارهای سنگین دیگر مطلبی بچشم

نمی خورد ولی مسلم است که در سپاه سلجوقی علاوه بر انواع منجنیق ابزاری بنام «چرخ» وجود داشته که برای انداختن تیرهای سنگین بکار میرفته و نیز دستگاهی بنام نفت انداز مورد استفاده بوده است.

منجنیق انواع مختلفی داشت، دوتنوع بیش از انواع دیگر متداول بود منجنیق و اراده^{۳۴}. منجنیق ابزاری بود که در انداختن قطعه سنگهای بزرگ مورد استفاده قرار می گرفت. در مقابل برای انداختن سنگهای کوچک و نسبتاً سبک از اراده استفاده میشد. منجنیقها بر اساس ساختمان و اینکه روی ارابه ها و چرخها حرکت داده میشد و یا اینکه بیک سمت و یا جهات مختلف میتوانستند سنگ بیاندازند و نیز در بزرگی و کوچکی انواع متعددی داشتند. ^{۳۵} مانند منجنیق روان، منجنیق خفته، اراده گردان و منجنیق بیک روی، علاوه منجنیقهای مخصوصی هم وجود داشت مانند منجنیق عروس، منجنیق دیو، منجنیق غوری (مخصوص غوریان بود). از منجنیقهای مخصوص منجنیق عروس میتوانست بچهار جهت سنگ پرتاب کند از اسم «منجنیق دیو» معلوم است که قویترین این ابزارها بوده است. در مورد اینکه منجنیق غوری چه مزیتی داشته است اطلاعی در دست نیست. فرق بین منجنیق سنگین و سبک (اراده) در این بود که اراده سنگهایی بوزن ۳ تا ۴ کیلو پرتاب میکرد و منجنیق سنگهایی بین ۲۵ و ۷۵ کیلو و بزرگترین منجنیقها میتوانستند سنگهایی بوزن ۹۰ کیلو پرتاب نمایند.^{۳۶} بنابراین فرق آنها علاوه بر طرز ساختمان و جثه در اندازه و وزن گلوله های کراه ای سنگی بود. در منابع مربوط به دوره سلجوقی بیشتر صحبت از منجنیق شده و چنین بنظر میرسد که از اراده کمتر استفاده شده است آل ب ارسلان در سرتاسر جنگهای محاصره ای خود کمتر از منجنیقهای بزرگ استفاده کرده است در صورتیکه در سپاه بیزانس که در نبرد ملازگرد آنها را مغلوب کرد منجنیقی

34- Fahr-i Müdebbir, 121-b.

35- Fahr-i Müdebbir, 121-b.

36- K. Huuri, Zur Geschichte Mittelalterlichen Geschützwesens aus Orientalischen Quellen, Helsinki, 1941, S. 94-192, 207-221

بزرگ وجود داشت که آنرا ۱۰۰ ارابه و طنابهای آنرا ۱۲۰۰ نفر میکشیدند و سنگهایی بوزن ۹۰ کیلو پرتاب میکرد. ۲۷ چنین معلوم میشود که در زمان آلب ارسلان از لحاظ بکار بردن جنگ افزارهای سنگین سپاه بیزانس بر ارتش سلجوقی برتری داشته است. از منجنیق در شب و یا روز استفاده میکردند. محصورین برای جلوگیری از فعالیت منجنیقها، یا کم کردن شدت تهاجم تداپیر مختلفی بکار میبردند. مؤثرترین تدابیر مقابله با فعالیت منجنیقهای دشمن استفاده متقابل از منجنیق از داخل شهر یا قلعه بود یکی دیگر از طروق مبارزه با منجنیق آتش زدن آن بوسیله پرتاب بطریهای پراز مواد نفتی بود. منجنیق همیشه برای درهم شکستن استحکامات بکار برده نمیشد بلکه بوسیله آن داخل شهرها را نیز سنگباران میکردند. یکی دیگر از طریقهای مقابله با گلوله های سنگی منجنیق پوشانیدن استحکامات قلاع بوسیله مواد نرم بود. بدین ترتیب قدرت تخریبی سنگهاییکه بوسیله منجنیق بردیوارها اصابت میکرد کم میگردد. ۲۸

د - قسمت حمل و نقل سپاه (ترابری)

در سپاه و حمل و نقل تجاری و مسافرت تنها اسب بعنوان وسیله حمل و نقل بکار نمیرفت بلکه از اشتر، استر، گاو میش و سایر چهارپایان نیز استفاده میشد اما در واقع در حمل و نقل بترتیب کار آئی و اهمیت در درجه اول از اسب و سپس اشتر و شتر استفاده میکردند.

لازم به تذکر است توضیحی که درباره عناصر سه گانه تشکیل دهنده سپاه داده شد بیشتر جنبه مادی داشته است، در کنار جنبه های مادی جسارت، شجاعت، اطاعت، فرمانبرداری و نظم و ترتیب نیز جنبه های معنوی را تشکیل میداد. واضح است وقتی ظفر و پیروزی نصیب این سپاهیان میشد که جنبه های مادی بوسیله خصوصیات معنوی حمایت و پشتیبانی میکردید مسلم است در نبردها تنها عناصر مادی کافی نیست بلکه در یک پیکار عناصر مادی و معنوی نقش توأمی دارند.